

# کتاب : کمیل و دعاویش

مؤلف : حاج شیخ عباس مخبر دزفولی

مقدمه دفتر

مقدمه

کمیل کیست ؟

مدرک دعای کمیل

سخنان علی علیه السلام به کمیل

فضلیت و اهمیت دعا و آداب آن

۱ - فضلیت و اهمیت دعا

۲ - آداب دعا

مقدمه دفتر

بسمه تعالی

کمیل شخصیتی جلیل القدر و از یاران خاص امیرالمؤمنین - علیه السلام - است . و در اوقات مخصوصی که نصیب همه نمی شده است ، مورد عنایت خاص آن حضرت قرار می گرفته است . مؤلف محترم در این کتاب بخشی از حالات و روایت های او از آنحضرت را مورد استضائه قرار داده است . این دفتر بعد از بررسی کامل و ویراستاری و استخراج و غیره آن را طبع و در اختیار علاقه مندان به آن حضرت قرار داده است .

امید است مورد قبول صاحب ولایت کبری امیر مؤمنان - علیه السلام -  
قرار بگیرد.

## دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآلته الطاهرين .

قال النبي (صلى الله عليه وآلته ) (الدعاء سلاح المؤمن) (١)

یکی از سنگرهای مهم انقلاب اسلامی مراسم پرشکوه مذهبی - مانند حج ، نماز جمعه ، دعای کمیل و سایر شعائر اسلامی - است که قبل از انقلاب در بیداری و آگاهی مردم و بعد از انقلاب در تثبیت و تداوم انقلاب نقش سازنده و مؤثری داشته و دارند و همیشه دشمن از این دژهای محکم خائف و در صدد برهم زدن و تضعیف آنها بوده است ، و امروز هم بیش از پیش در صدد از هم پاشیدن این اجتماعات است ؛ گاهی به وسیله ترور ائمه جمعه و یا در مراسم حج بوسیله بی محتوا کردن آن از خاصیتش که همان بیداری مسلمین و مستضعفین است .

یکی از آن مراسم دعای کمیل است که برنامه ای معنوی و سازنده است که بعد از انقلاب برنامه ای بسیار با شکوه و ملقاء اکثریت مردم و جایگاهی روحانی برای راز و نیاز با خدا گردیده است . دشمن زخم خورده برای درهم ریختن و تضعیف این مراسم نیز توطئه کرده و می

کند، به خصوص از راه تشكیک و وسوسه اندازی، از آن جمله این که این دعا مدرک و سندی ندارد. لذا بعضی از برادران و جوانان عزیز از این حقیر خواستند که درباره کمیل و دعايش جزوه ای تهیه و در اختیار ایشان قرار دهم تا این شبهه رفع بشود و این دژالهی، یعنی مراسم دعایی کمیل از وسوسه های شیطانی محفوظ بماند - و الله الموفق للصواب .

۱ - کمیل کیست ۲ - مدرک دعای کمیل ۳ - سخنان علی (علیه السلام) به کمیل ۴ - فضیلت و اهمیت دعا و آداب آن .

کمیل کیست ؟

دانشمندان علم رجال و درایه درباره کمیل چنین گفته اند:

شیخ طوسی در کتاب رجال خود کمیل را از اصحاب امیرالمؤمنین و امام حسن مجتبی (علیهمماالسلام) ذکر کرده است .

ابن ابی الحدید که از علماء بزرگ اهل سنت است درباره کمیل می گوید: (کان من شیعه علی و خاصته (۱)

کمیل از شیعیان خاص امیرالمؤمنین بود). و حجاج بن یوسف او را با کسانی که با او در پیروی از امیرالمؤمنین شریک بودند - به جرم شیعه بودن به قتل رسانید. او می گوید: کمیل عامل و فرماندار امیرالمؤمنین بود در شهری به اسم (هیت) که گویا در کنار فرات بود، ولی کمیل در اداره کردن حوزه مأموریتش تسلط کافی نداشته بطوری که لشکر معاویه بعضی از آبادیها و روستاهای او را مورد حمله قرار داد و کمیل نتوانست از آنها دفاع بکند و این برای او نقطه ضعفی بود و برای جبران

کردن آن به بعضی از قرائی که تحت تصرف معاویه بود حمله نمود.  
امیرالمؤمنین به او اعتراض کرد و این جمله ارزنده را فرمود:

(ان من العجر الحاضر اعن يهمل الوالى ما وليه و يتکلف ماليس من تکلیفه  
(۲)

یکی از دلائل ضعف یک مسؤول این است که موارد وظیفه خود را  
انجام ندهد و چیزی که وظیفه او نیست آن را انجام دهد).

ذهبی که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است درباره کمیل چنین می گوید: (كان شریفا مطاعا ثقة عابدا على الشیعة قليل الحديث قتلہ الحجاج کمیل مردی شریف و در میان قومش مورد احترام بود و دستورات او را اطاعت می کردند. مردی مورد اطمینان و در پیروی امیرالمؤمنین و اطاعت خدا می کوشید و کم سخن ، می گفت قاتل او حجاج بن یوسف بود).

علامه معاصر صاحب قاموس الرجال در توثیق کمیل می گوید: سید بن طاووس که از علمای بزرگ است در کتاب (کشف المحجة) که آن را برای فرزندش نوشت و وصایای خود را باو می نماید می گوید: بعد از جنگ نهروان مردم از امیرالمؤمنین راجع به خلفاء سؤال نمودند، حضرت به عبدالله بن عباس فرمود که ده نفر از اشخاص مورد اطمینان را برای گواهی احضار کن ، یکی از آنها کمیل بود که حضرت او را مورد اطمینان قرار داد.

مرحوم حاج میرزا هاشم خراسانی در کتاب منتخب التواریخ ، معاصرین امیرالمؤمنین را به سه دسته : حواریین ، یاران ، و خواص اصحاب آن حضرت تقسیم می نماید.

حواریین امیرالمؤمنین را چهار نفر: عمر و بن حمق خزاعی ، میثم تمار، محمد بن ابی بکر و اویس قرنی ذکر کرده . و خواص اصحاب حضرت بسیارند، از جمله آنها کمیل بن زیاد را ذکر نموده . سپس می گوید: کمیل از بزرگان تابعین بود که حجاج بن یوسف در سال هشتاد و سه هجری در سن نود سالگی او را به قتل رسانید.

شیخ مفید که از بزرگان شیعی متوفی ۴۱۳ و مورد توجه ولی عصر بوده است ، در کتاب ارزنده اش الارشاد می گوید: هنگامی که حجاج فرماندار کوفه شد کمیل بن زیاد را طلبید، جناب کمیل چون خون آشامی حجاج را می دانست مدتی متواری شد. حجاج حقوق و مزایای طائفه و قوم کمیل را قطع کرد. وقتی کمیل فهمید با خود اندیشید که من در سنین پیری هستم و شایسته نیست که خوشاؤندانم به واسطه من در مضیقه و ناراحتی قرار گیرند، لذا خود را به ماءموران حجاج معرفی نمود. وقتی چشم حجاج به کمیل افتاد گفت من خیلی دوست داشتم که به تو دست یابم . کمیل گفت : از عمر من چیزی باقی نمانده لیکن موعد خدای تعالی است و بعد از قتل نیز حسابی است و مولایم امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) به من خبر داده که تو قاتل منی . حجاج گفت : آری ، تو در کشنده عثمان شرکت داشته ای . سپس حجاج ملعون امر کرد گردن این پیر مرد صحابی را با شمشیر زدند.

صدقوق (عليه الرحمه) که از بزرگان علمای شیعی و در حدود دویست کتاب و تألهف از او به جای مانده در کتاب امالی خود گوید: امیر المؤمنین دست کمیل را گرفت و به صحرابرد و آهی کشید و فرمود:

(الناس ثلاثة عالم ربانی و متعلم على سبيل نجاه و همج رعاع اتباع كل ناعق يميلون مع كل ريح لم يستضئوا بنور العلم يلجاو ا الى رکن ، يا کمیل العلم خیر من المال العلم يحرسک و انت تحرس المال و المال تنقصه النفة و العلم یزکو بالانفاق . يا کمیل العلم دین یدان به یکسب الانسان الطاعة في حیاته و جميل الا حدوثه بعد وفاته و العلم حاکم و المال محکوم عليه با کمیل هلک خزان الاموال و هم احیاء و العلماء باقون ما بقى الدھر اعيانهم مفقودة و امثالهم موجودة ) (۲).

(مردم سه دسته اند: گروهی عالم ربانیند (در معارف حقه و علم مبداء و معاد دانا هستند) و گروهی متعلم اند، و دسته سوم مردم فرومایه اند که مانند مگسان بهر طرف باد وزیدن گیرد به آن طرف حرکت می کنند از روشنایی علم بهره نیافته اند و متکی به یک تکیه گاه محکم نیستند. کمیل ! علم بهتر از مال است ، زیرا تو مال را نگهداری می کنی در صورتی که علم تو را نگهداری می نماید، مال به واسطه بخشش کم می شود، اما علم بوسیله انفاق زیاد می گردد.

ای کمیل ! علم برنامه ای است که انسان به آن عمل می کند، به وسیله علم به دین است که انسان در حال حیات می تواند خدا را اطاعت کند و بعد از مرگ اثر خیر او باقی بماند - ای کمیل ! علم حاکم است و مال محکوم علیه است . ای کمیل ! خزانه داران مال و ثروت هلاک شدند و

خزانه داران علم و دانشها زنده اند، و علماء و دانشمندان تا روزگار باقی است جاودانند. بدنهای آنها از نظر پنهاست اما نشانه های آنها در دنیا موجود است .

طريحي صاحب كتاب معروف (مجمع البحرين ) مى گويد: كميل از بزرگان اصحاب اميرالمؤمنين و صاحب سر آن حضرت . بعد از آن در ماده (نفس ) مى گويد: كميل از اميرالمؤمنين سؤال کرد از شما تقاضا دارم که نفس مرا به من معرفی فرماید. حضرت فرمود مقصود شما کدام نفس است . عرض کرد مگر انسان بيش از يك نفس دارد. حضرت مفصلا بيان کرد که انسان دارای چهار نفس است : ۱ - ناميه نباتي ۲ - حسيه حيواني ۳ - ناطقه قدسي ۴ - كلية الهي . و هر يك از اينها داراي پنج قوه و نиро و دو خاصيت هستند.

(ناميه نباتي ) داراي پنج نيرو است :

۱ - ماسکه ۲ - جاذبه ۳ - هاضمه ۴ - دافعه ۵ - مربيه ؛ يعني نيروى نظم دهنده در اعضاء .

اما دو خاصيت ، کم و زياد شدن آنها است . و منشاء اين نيروها کبد مى باشد و اين دو خاصيت نزديك به حيوانيت است .

(حسيه حيواني ) نيز داراي پنج نيرو است :

۱ - بینایی ۲ - شنوایی ۳ - بویایی ۴ - چشایی ۵ - لامسه . که همان حواس پنجگانه مى باشند. و دو خاصيت آن ، رضا و غضب است و منشاء آنها قلب است و اين دو صفت شبیه به درندگانست .

نااطقه قدسی ) نیز دارای پنج نیرو است :

۱ - فکر ۲ - ذکر ۳ - علم ۴ - حلم ۵ - آگاهی ، و اینها منشاء جسمی ندارند بلکه انسان از این بعد شبیه ترین مخلوقات به ملائکه است . و دو خاصیت این نفس ، پاکیزه بودن و حکمت است .

(کلیه الهی ) دارای پنج نیرو است :

۱ - بقاء در فنا ۲ - نعمت در سختی و شقاء ۳ - عزت در ذلت ۴ - فقر در غنا ۵ - صبر در بلاء . و این نفس دارای دو خاصیت است : ۱ - حلم و بردباری ۲ - کرم و بزرگواری . و این نفس کلیه الهیه است که مبداء آن خدای تعالی است که می فرماید: (و نفخت فیه من روحی) (۳) و بازگشت آن به سوی خدای تعالی است چنانچه می فرماید: (ارجعی الى ربک راضیة مرضیه) (۴)

سپس امیرالمؤمنین به کمیل فرمود. عقل و خرد در وسط اینهاست تا هر کس هر چه بگوید یا قضاوت کند از روی قیاس و میزان معقول باشد.

بعد از بیان این مطالب صاحب روضات الجنان گوید: این جریان کمیل با امیرالمؤمنین از حکمتها یی است که کمتر در کتابهای حدیث نظیر آن دیده می شود و خود دلالت دارد که کمیل دارای معرفتی کامل و منزلتی بزرگ و در معنویات دارای مقامی رفیع و قدری منیع بوده است

.

نیشابوری در رجال خود گوید که : کمیل از خواص اصحاب امیرالمؤمنین است که حضرت او را ردیف خود بر شتر سوار کرد سپس کمیل از امیرالمؤمنین سؤال کرد:

یا امیرالمؤمنین (ما الحقيقة فقال مالک و الحقيقة فقال اولست صاحب سرک قال بلی ولكن یرشح علیک ما یطفح منی فقال او مثلک تخیب سائلًا فقال الحقيقة کشف سبحات الجلال من غير اشاره فقال زدنی بیانا قال (علیه السلام) محو الموهوم و صحو المعلوم فقال زدنی بیانا قال هتک السر لغبۃ السر فقال زدنی بیانا قال نور یشرق من صبح الاذل فیلوح علی هیا کل التوحید آثاره فقال زدنی بیانا فقال اطف السراج فقد طلع الصبح).

از امیرالمؤمنین سؤال می کند که حقیقت چیست؟ - ظاهراً مقصود کمیل سؤال از حقیقت ذات مقدس است - لذا امیرالمؤمنین به او می فرماید (تو کجا، حقیقت ذات کجا؟) به قول شاعر

برد خرد پی به کنه ذاتش

اگر رسد خس به قعر دریا

(کمیل اصرار می کند که آیا من صاحب سر تو نیستم؟ حضرت فرمود بلی تو صاحب سر من هستی ولی رشحه هایی که از اسرار درونی من سریز می کند به تو می رسد.

عرض می کند آیا شخصی مثل شما سائل را ماءیوس می کند؟ با این اصرار حضرت شروع می کند به بیان این مطالب که حقیقت کشف سبحات جلال است بدون اشاره ، یعنی حقیقت ذات را جز از طریق کشف نمی شود درک کرد. یا این که حقیقت ذات را جز از طریق تنزیه نمی شود شناخت - یعنی ذات مقدس را منزه دانستن از تمام چیزهایی که ما آن را تصور می کنیم . عرض کرد بیش از این بیان فرماید. فرمود:

انسان باید بداند که خدا در وهم او نیاید. همان طوری که در جایی دیگر امیرالمؤمنین فرمود (کلمامیز تموهم باوها مکم فی ادق نظر فهود مخلوق مثلکم مردود الیکم) یعنی آنچه در وهم شما باید خدا نیست و مخلوق شما است. (وصحو المعلوم) یعنی علم با آگاهی یا مقصود آنست که معلومات انسان به کشف و روشنائی کامل برسد، که تقریباً جمله دوم بیانی است برای جمله اول که (محوالموهوم) باشد.

یعنی هنگامی که انسان از عالم موهومات رها شد و علم خالصی پیدا کرد که در او هیچ گونه وهمی نباشد آنجاست که علم کشف حقیقت می کند. چون (صحو) در لغت به معنی بر طرف شدن ابر، و صاف شدن هوا است که تقریباً موهومات به منزله ابر است که جلو معلومات را می گیرد، وقتی آن ابر موهومات برطرف شد آفتاب حقیقت ظاهر می شود که (صحوالمعلوم) است.

عرض کرد بیشتر بیان فرمایید. حضرت فرمود پاره نمودن حجاب به واسطه غلبه سر. بعد کمیل عرض کرد بیشتر بیان فرمایید. حضرت فرمود: نوری است که از صبح ازل تاییدن می گیرد و آثار آن بر هیکلهای توحید پرتو می افکند. عرض کرد بیشتر بیان فرمایید. فرمود چراغ را خاموش کن که صبح طالع گردید.

این جملات از فرمایشات امیرالمؤمنین (علیه السلام) جزء جمله های عمیق و پرمعنی و شاید جزء اخبار متشابهات باشد. عرفاء درباره آنها خیلی بحث و تحقیق کرده اند، از آن جمله فیلسوف ارجمند ملا عبدالرزاق لا هیجی صاحب شوارق در تحقیق این فرمایشات گوید:

چون کمیل از اصحاب دل بوده و در خواست مقام ولایت که مقام فناء در ذات است می نمود و حال او اقتضای سؤال از حقیقت نمود، لذا حضرت جواب او را طوری فرمود که دلالت داشت که آن مقام مقامی عیالت؛ یعنی امیرالمؤمنین به دیگری این طور مطالب را نفرمود، اولاً او را ترغیب می کند به سیر و سلوک لائق به اهل حال، کمیل عرض می کند آیا من صاحب سر تو نیستم حضرت فرمود بلی تو صاحب سر من هستی ولی چون دیگ سینه من بجوش آید آنچه از او سریز می کند به تو می رسد. کمیل اصرار می کند و عرض می کند شخص کریمی مثل شما سائل را ماءیوس می کند؟ حضرت فرمود (الحقيقة) کشف سبحات الجلال من غير اشاره ( یعنی حقیقت آنست که کثرتها که وجود موهم دارند در هنگام روشن شدن چراغ علم محو و متلاشی شوند و غیر حق چیزی باقی نماند و تجلی نکند.

قاضی نورالله شوستری در کتاب مجالس المؤمنین می گوید: شیخ کامل مکمل : کمیل بن زیاد نخعی (قدس سره) ت کمیل کننده موحدین یار و همدم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است . آن حضرت را رسم بودی که چون علوم و اسرار در باطنش موج زدی و خواستی که گوهر عرفانی بیرون اندازند کمیل را پیش خواندی و بر او جواهر اسرار افشارندی ، سپس جریان خطبه (مالحقیقت) را که گذشت ذکر می کند.

اعثم کوفی در تاریخ خود گوید: عثمان در زمان خلاقش دستور داد که مالک اشتر و دوستان وی را از کوفه به شام نزد معاویه ببرند وقتی به نزد معاویه رسیدند سلام کردند و نشستند. معاویه جواب سلام داد و ایشان را

احترام کرد و گفت : ای قوم از خدا بترسید (ولا تكونوا كالذين تفرقوا  
واختلوا من بعد ما جائهم البینات

نباشید از کسانی که ایجاد تفرقه و اختلاف نمودند بعد از آن که دلائل  
حق برایشان روشن شده بود) یعنی معاویه سوء استفاده از آیه کرد. کمیل  
که از همراهان مالک اشتر بود فوری به معاویه جواب داد: ای معاویه !  
(فهدی الله الذين امنوا بما اختلفوا فيه من الحق باذنه  
خدای تعالی راه راست را نشان آن قومی داد که درباره پیدا کردن حق  
اختلاف کردند) والله ای معاویه ما آنها هستیم .

معاویه گفت : ای کمیل چنین نیست که تو می گویی . این آیه در شاعن  
جماعتی است که ایشان اطاعت خدا و رسول و اولی الامر را نمودند و  
کارهای نیکویی که اولی الامر نموده مخفی نکردند و معائب او را آشکار  
نمودند. و مقصودش از این حرفها خودش بود. کمیل گفت اگر عثمان  
بر تو اعتماد نداشت تو را نگاهبان نمی کرد و ما را نزد تو نمی فرستاد.  
مالک گفت ای کمیل بگذار تا بزرگتر از تو سخن بگوید، چون اشتر از او  
بزرگتر بود. کمیل خاموش شد و اشتر شروع به سخن گفتن نمود و گفت  
: ای معاویه ! تو نیکو می دانی که خدای تعالی این امت را به واسطه  
رسالت پیغمبر اسلام گرامی داشت و همچنین به سبب او این امت را بر  
دیگران برگزید. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به اندازه ای که مقدر  
بود در میان مردم زندگی کرد و چون اجل حتمی او فرار رسید به جوار  
رحمت الهی انتقال یافت ، بعد از وفات او جماعتی مردمان صالح مدتی  
بر کتاب خدا و سنت رسول الله عمل کردند - خدا به ایشان جزای خیر

بدهد - بعد از ایشان چیزهایی حادث شد که نه بر قانون خدا بودند و نه مؤمنین آن را پسندیدند، بلکه آنها را انکار نمودند و امروز اگر چنانچه حکومتهای ما به راه حق بروند از ایشان خشنودیم اگر بر خلاف حق بروند خدای تعالی از اعمال ایشان خبر داده که می فرماید:

(وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الظِّلَالِينَ إِذْ تَبَيَّنَ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَأَءُ ظُهُورَهُمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثُمَّاً قَلِيلًا فَبِسْ مَا يَشْتَرُونَ) (۵) یعنی (خدای تعالی از مؤمنین پیمان گرفته) یعنی کسانی که احکام خدا را پشت سر انداخته و به پول کمی آنرا خریداری کردند، هان ای معاویه ما آنها نیستیم.

گفتگوی مالک و معاویه طولانی است ما به قدر حاجت که مربوط به کمیل بود از آن نقل کردیم .

صوفیه کمیل را یکی از چهار ولی می دانند که از چهار امام خرقه گرفته اند.

صاحب طرائق الحقائق چنین می گوید:

مرحوم میرزا محمد تقی ملقب به مظفر علی شاه کرمانی در کتاب (بحر الاسرار) می گوید: طریقه حقه از چهار امام به وساطت چهار ولی از شیعیان خاص اهل بیت جاری و در میان مردم منتشر گردیده .

۱ - از مولانا امیرالمؤمنین ، اسدالله الغالب ، علی بن ابی طالب (علیه السلام ) به واسطه کمیل بن زیاد.

۲ - از سید الساجدین به واسطه ابراهیم ادهم .

۳ - از مولینا جعفر بن محمد صادق به واسطه با یزید بسطامی .

۴ - از حضرت رضا (علیه السلام) به واسطه معروف کوفی .

مدرک دعای کمیل

برخی از مدارک دعای کمیل و یا کتابهای که این دعا را نقل کرده اند عبارتند از:

۱ - ابو جعفر محمد بن حسن علی شیخ طائفه حقه شیعه معروف به شیخ طوسی (رضوان الله علیه) متولد ۳۸۵ و متوفی ۴۶۰ که به عقیده کلیه علمای رجال از اکابر علمای شیعه و مرجع فضلای زمان بوده و دو کتاب از کتب اربعه (تهذیب و استبصار) از آثار آن بزرگوار است. و بسیار جلیل القدر و عظیم المنزله و در تمام علوم دینی خبیر و در علم و عمل و کمالات نفسانی بی نظیر بوده است. وی در کتاب (مصابح المتهجد) درباره دعای کمیل چنین گوید: روایت شده که کمیل بن زیاد امیر المؤمنین را دید که : در شب نیمه ماه شعبان در حال سجده این دعا را می خواند سپس شروع می کند به دعای مشهور کمیل .

۲ - علامه بھبھانی (معروف به استاد الكل فی الكل) متوفی ۱۲۰۶ که در حدود دویست تأثیف دارد، در تعلیقات خود راجع به کمیل می گوید: (و هو المنسوب اليه الدعاء المشهوره

کمیل کسی است که دعای مشهور منسوب به او است).

۳ - علامه مجلسی (ملا محمد باقر متوفی ۱۱۱ صاحب کتاب بزرگ (بحار الانوار) که چاپ جدید آن یکصد و ده جلد شده است) در کتاب (زاد المعاد) که کتابی است در ادعیه در اعمال شب نیمه شعبان چنین می گوید: چون دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب حضرت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) است بهترین دعاهاست و از دعاهای این شب است و در اوقات دیگر نیز می‌توان آن را خواند با ترجمه، در اینجا ایراد می‌نماید که در وقت خواندن یادآور معانی آن باشند تا فائدہ اش تمامتر و ثوابش عظیم تر باشد.

نکته ای که باید ذکر شود اینست این قسمت از روی نسخه خطی زاد المعاد نوشته گردیده که در آخر نوشته شده: که این نسخه از روی دستخط خود مجلسی نوشته شده است که تاریخ آن ۱۱۰۷ است، که تقریباً چهار سال قبل از وفات مجلسی بوده.

۴ - سید بن طاووس متوفی سال ۶۶۵ که از بزرگان علمای شیعه و بعضی گفته اند جزو کسانیست که به زیارت حضرت مهدی (علیه السلام) مشرف شده در کتاب (اقبال الاعمال) روایت کرده که کمیل بن زیاد گفت: روزی با مولایم حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مسجد بصره نشسته بودم، شب نیمه شعبان را یادآور شدیم، حضرت فرمود هر بندۀ ای آن شب را به عبادت و احیاء بگذارند و دعای حضرت خضر (علیه السلام) را در آن شب بخواند البته دعای او مستجاب گردد. چون حضرت به منزل آمد شب به خدمت او رفتم، چون مرا دید پرسید ای کمیل برای چکار آمده ای. عرض کردم برای دعای خضر آمده ام، فرمود بنشین، ای کمیل! چون این دعا را حفظ نمایی و هر شب جمعه یک مرتبه و یا در هر ماهی یک مرتبه و یا در هر سالی سک مرتبه، یا در هر عمری یک مرتبه بخوانی شر دشمنان از او دفع و خدا تو را یاری می‌کند و رزق و روزی تو زیاد می‌گردد و گناهان تو آمرزیده گردد، ای کمیل! چون مدتی زیاد در مصاحبت من به سر بردى تو را شایسته آن

دیدم که با این دعای مبارک ممتاز و سرافراز گردانم . پس فرمود بنویس و خود حضرت املاء فرمودند و من نوشتیم . سپس سید بن طاووس شروع می کند به نقل دعای معروف .

۵ - محدث قمی ( حاج شیخ عباس ) صاحب ( مفاتیح الجنان ) در ( منتهی الآمال ) در شرح حال کمیل گوید : دعای مشهور که در شب نیمه شعبان و شبهای جمعه می خوانند منسوب به آن جناب است .

لازم به تذکر است که مرحوم حاج شیخ عباس قمی جزو علماء رجالی است که معروف است . مرحوم آیت الله العظمی بروجردی گاه گاه در علم رجال به ایشان مراجعه می کرد .

۶ - مرحوم حاج میرزا هاشم خراسانی که خود محققی کم نظیر بوده در کتاب ارزنده اش ( منتخب التواریخ ) در شرح حالات کمیل بعد از آن که جریان شهادتش را به دست حاج نقل می کند می گوید : دعای کمیل که در شبهای جمعه و شب نیمه شعبان خوانده می شود منسوب به ایشان است .

۷ - علامه معاصر حاج شیخ محمد تقی شوشتاری در کتاب ( قاموس الرجال ) در شمن حالات کمیل می گوید : صاحب دعای منسوب به او کار در شبهای جمعه و نیمه شعبان خوانده می شود . البته در ضمن روایت سید بن طاووس را نقل می کند که مذکور شد .

۸ - شیخ کفعی ( ابراهیم بن علی بن الحسن جبل عاملی ) از علمای قرن هشتم که در اکثر علوم اسلامی ماهر و مردمی زاهد و با تقوی بوده است و دارای کتابهای متعددی از آن جمله کتاب ( بلدالامین ) و ( مصباح

کفعمی ) که جزو کتب دعا و بسیار معروف است در اعمال نیمه شعبان در ضمن دعاهای آن شب می گوید: (ثم ادع بماروی ان امیرالمؤمنین  
یدعوا به لیله النصف من شعبان و هو ساجد)(۶)

یعنی در نیمه شعبان این دعا را که از امیرالمؤمنین روایت شده بخوان که حضرت در حال سجود آن را می خواند.

محدث قمی تاریخ وفات کفعمی را نقل نمی کند ولی می گوید تاریخ تصنیف کتاب مصباح ۸۹۵ است . بعد در کتاب (هدیة الاحباب ) گوید:  
(کفعم) بر وزن (زمزم) قریه ای است از جبل عامل .

نویسنده این اوراق گوید: از مطالب گذشته این طور نتیجه می گیریم که : ۱ کمیل از شخصیتهاي بزرگ مورد اطمینان بلکه صاحب سر امیرالمؤمنین بوده است و علمای رجال همه او را مورد اطمینان دانسته اند.

۲ - بزرگانی که ذکر شدند این دعا را به کمیل نسبت داده اند.

۳ - اصطلاحی در میان علمای ما است تحت عنوان (تسامح در ادلہ سنن )؛ یعنی آن طوری که در ادلہ واجبات بحث و تحقیق و دقت می کنند که این روایت یا روایات باید با چه شرائطی باشد تا یک حکم واجب یا حرام را از آن استبطاط کنند، آن شرائط را در مستحبات لازم نمی دانند چون مستحبات امری جزئی نیستند.

۴ - بزرگانی که شرح بر دعای کمیل نوشته اند - مانند حاج گلباسی که از بزرگان محدثین و علماء بوده است و همچنین علامه سبزواری که شرحی علمی بر آن نوشته - تکیه بر شهرت دعا نموده و اصلا آن را

مستغنی از بیان سند دانسته اند، و در خیلی از کتب ادعیه سندی برای دعا ننوشته اند یعنی شهرت آن به قدری بوده است که احساس نیاز به ذکر سند نکرده اند.

۵ - فقرات دعا و جامعیت آن جهات فصاحت و بلاغت آن کاشف است که از منشآت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است .

۶ - سخیت دعا با دعاهاي امیرالمؤمنین .

۷ - یک عمل مستحب که مناجات با خدا است و در هر حال مطلوبست چنانکه خطاب به موسی شد اذکرنی علی کل حال

یعنی موسی ! در هر حالی مرا یاد کن ) - و بیش از این نیاز به دلیل ندارد به خصوص اگر به رجاء ثواب خوانده شود - و الله العالم .

سخنان علی علیه السلام به کمیل

در خلال مطالعات بر خورد نمودم به ملحقات تفسیر (اصفی) (۷) تأليف محقق ارجمند و فيلسوف و فقيه بزرگوار مرحوم فيض کاشانی که در آنجا نقل از نسخه نفیس منحصر به فردی از نهج البلاغه سخنان امیرالمؤمنین را به کمیل ذکر کرده که شاید در خیلی نسخه های نهج البلاغه نباشد و در آن در حدود صد مرتبه امیرالمؤمنین (یا کمیل) می فرماید که دارای دستوراتی اخلاقی و عرفانی و توحیدی است ، لذا برای کمیل این جزو در اینجا با ترجمه ذکر می نماییم تا - ان شاء الله مورد استفاده عموم برادران و خواهران قرار گیرد.

روایت از حسن بن شعبه حرانی صاحب تحف العقول (۸) است که با یک سلسله اسناد از سعد بن زید بن ارطاء نقل می کند که گوید: کمیل بن زیاد را دیدم و از فضائل امیرالمؤمنین از او سؤال کردم ، در جواب گفت می خواهی تو را خبر دهم به وصیتی که امیرالمؤمنین به من نموده و آن وصیت برای تو بهتر است از دنیا و هر چه در آن است . در جواب گفتم : آری ، بعد گفت امیرالمؤمنین به من چنین وصیت نمود.

(یا کمیل سم کل یوم باسم الله و قل لاحول ولا قوه الا بالله . و توکل علی الله و اذکرنا و سم باسمائنا وصل علينا. و ادر بذلک علی نفسک و ما تحوطه عنایتك ، تکف شر ذلک اليوم ان شاء الله ) .

ای کمیل ! هر روز (بسم الله الرحمن الرحيم) بگو، و سپس ذکر (لا حول ولا قوه الا بالله) را بخوان و توکل بر خدا کن ، سپس اسمی ، (أئمه معصومین) را بگو و بر آنها درود و صلوات بفرست و به خدا پناه ببر و بعد به ما پناهندۀ شود، و همچنین خود و اولاد و آنچه داری ، همه را به خدا و ما بسپار، از شر آن روز مصون خواهی ماند.

(یا کمیل ان رسول الله (صلی الله علیه و آله) ادبه الله وهو (عليه السلام) ادبی و انا اودب المؤمنین و اورث الاداب المكرمين) .

ای کمیل ! به تحقیق ، پیغمبر را خدا ادب آموخت ، و پیغمبر مرا ادب آموخت و من مؤمنین را ادب می نمایم . آداب را من برای بزرگان به ارث گذاشتم .

(یا کمیل مامن علم الا و انا افتحه و مامن سر الا القائم (عليه السلام) يختمه) .

ای کمیل ! هیچ علمی نیست مگر آنکه من آن را افتتاح کردم . و هیچ چیزی نیست ، مگر آنکه امام قائم (عج ) آن را ختم کند.

(یا کمیل ذریه بعضها من بعض و الله سمیع علیم

ای کمیل ! (پیامبران و ائمه معصومین از یک نسل و شجره طبیه هستند که ) بعضی تز ایشان از بعضی دیگرند، و خداوند شنوا و آگاه است ).

(یا کمیل لا تاخد الا عننا تکن منا

ای کمیل ! علمت را جز از ما مگیر، تا از ما محسوب شوی ) . (یا کمیل مامن حرکه الافانت محتاج فيها الى معرفة

ای کمیل ! هر حرکت و کاری از تو نیاز به شناخت دارد (باید در کارها با شناخت و معرفت وارد شوی ) .

(یا کمیل اذا اكلت الطعام فسم باسم الذي لا يضر مع اسمه داء و فيه شفاء من كل الاسوء).

ای کمیل ! هنگام غذا خوردن ، (بسم الله ) بگو که با آن ، هیچ چیز ضرر نمی رساند. و در اسم خدای شفای هر دردی است .

(یا کمیل و آكل الطعام ولا تبخل عليه ، فانک لن ترزق الناس شيئا و الله يجزل لك الثواب بذلك احسن عليه خلقك . وابسط جليسک . ولا تتهم خادمک ) .

ای کمیل ! هنگام غذا خوردن ، کسانی را با خود در غذا خوردن شریک کن و بخل مکن ، زیرا تو مردم را رزق نمی دهی . و خدا در این کار تو را ثواب بسیار عطا می فرماید. اخلاق خود را با وی (کسی که با تو غذا

می خورد) نیکو کن و با گشاده روئی با وی بخورد کن و به خدمتگذار خود تهمت مزن و با او خشن رفتار نکن .

(یا کمیل اذ اكلت فطول اكلک لیستوفی من معک و یرزق منه غیرک )  
ای کمیل ! هنگامی که مشغول غذا خوردن می شوی ، غذا خوردن خود را طول بده تا کسانی که با تو غذا می خورند سهم خود را از سفره برگیرند. (و دیگران نیز از غذا و روزی خود استفاده کنند).

یا کمیل اذ استوفیت طعامک فاحمد الله علی ما رزقک بذلک صوتک  
یحمدہ سواک فیعظم بذلک اجرک ).

ای کمیل ! وقتی که از غذا خوردن فارغ شدی ، سپاس خدا را در مقابل روزی که به تو داده ، به جا بیاور و هنگام سپاسگزاری صدای خود را بلند کن تا دیگران نیز سپاسگزاری کنند و بدین وسیله اجر تو زیاد شود.  
(یا کمیل لا توقرن معدلک طعاما ودع فيها للماء موضعا وللريح مجالا ولا  
ترفع يدك من الطعام الا وانت تستهيه ، فان فعلت ذلك فانت تستمرئه ،  
فان صحة الجسم من قله الطعام و قله الماء).

ای کمیل ! معده خود را پر از غذا نکن و جائی برای آب و تنفس باقی نگهدار و دست از غذا خوردن برمدار مگر زمانی که هنوز به آن مایل باشی و اگر چنین کنی ، از غذا نیرو می گیری (یعنی غذا خوب جذب می شود) و بدان که سلامت بدن از کم خوردن و کم نوشیدن است .

(یا کمیل البرکة في مال من اتي الزكاء و واسى المؤمنين و وصل  
الاقربين ).

ای کمیل ! برکت در مال کسی است که زکات می دهد و به مؤمنان یاری می کند و صله رحم می کند.

(یا کمیل زد قرابتك المؤ من علی ما تعطی سواه من المؤ منین و کن بهم اراف و علیهم اعطف . و تصدق علی المساکین ) .

ای کمیل به قوم خویش مؤ من خود، بیشتر از قوم خویش غیر مؤ منت عطا و بخشنده کن و به آنها مهر بانتر باش و نسبت به آنان بیشتر عطوفت کن و به فقرا و مساکین صدقه بده .

(یا کمیل لا ترد سائلا و لومن شطر حبه عنب اوشق تمره ، فان الصدقه تنمو عند الله ) .

ای کمیل ! نیازمندی را محروم نگردن و لو به نصف دانه انگور یا خرما باشد، بدروستیکه صدقه نزد خدا رشد می کند.

(یا کمیل احسن حلیة المؤ من التواضع و جماله التعفف و شرفه التفقه و عزه ترك القال و القليل ) .

ای کمیل ! بهترین زینت و آرایش مؤ من ، فروتنی . است و جمال او عفت و شرف او یاد گرفتن (احکام دین) و آبروی او، ترك بگو و مگو می باشد.

(یا کمیل فی کل صنف قوم ارفع من قوم ، فایاک و مناظرة الخسیس منهم و ان اسمعوک و احتمل و کن من الذین و صفہم اللہ (و اذا خاطبھم الجاهلون قالوا سلاما).

ای کمیل ! در هر صنفی ، قومی است که بعضی (از نظر فکری ) بالاتر از بعضی دیگرند.

پس بپرهیز از بحث و کشمکش با انسانهای پست . و اگر بگفته تو گوش فراداد از او تحمل کن و از آنها باش که خدایتعالی ایشان را توصیف کرده که می فرماید: هر گاه طرف خطاب نادانان قرار گیرند، با آرامش با آنها برخورد می کنند. (یعنی ناسزای آنها را تحمل می کنند).

(یا کمیل قل الحق علی کل حال و وادالمتقین و اهجر الفاسقین و جانب المنافقین ولا تصاحب الخائنين ) ای کمیل ! در هر حال حق را بگو و پشتیبان پرهیز کاران باش از فاسقین دوری کن و از منافقین اجتناب کن و با خائنين همنشین مباش .

(یا کمیل لا تطرق ابواب الظالمین للاختلاط بهم و الا معهم و ایاک ان تعظمهم و ان تشهد فى مجالسهم بما يسخط الله عليك و ان اضطررت الى حضورهم فداوم ذكر الله و التوكل عليه و استعد بالله من شرورهم و اطرق عنهم و انكرب بقلبك فعلهم و اجهز بتعظيم الله تسمعهم ، فانك بها تويد و تکفى شرهم ).

ای کمیل ! در ظالمان را مکوب برای آنکه با آنها رفت آمد داشته باشی و با آنها کسب مال یا اعتبار کنی و بپرهیز از تعظیم کردن و اطاعت ایشان یا حضور در مجالس ایشان به کاری که سبب غضب خدا بر تو گردد و اگر به حضور در مجلسشان ناچار شدی دائما به ذکر خدا باش و بر او توکل کن و از شر آنها به خدا پناه ببر و به تجملات آنها توجه نکن و در دل کارهای آنها را منکر باش و پیش آنها به خدا تعظیم کن و عظمت خدا را

به آنها گوشزد نما زیرا تو بدین وسیله قاعید می شوی و از شر آنها ایمن می مانی .

(يا كميل ان احب ما تمثله العباد الى الله بعد الاقرار به و باوليائه التعفف و التحمل و الا صطبار).

ای کمیل ! بهترین کاری که بندگان خدا پس از اقرار به خدا و اولیای خدا، می توانند انجام دهنند، عفت و برداری و صبر است .

(يا كميل لاتا الناس اقتارك و اصبر عليه احتسابا بعزو و تستر). اى کمیل فقر و ناچاری خود را به مردم آشکار مکن و بر آنها صبر کن و برای خشنودی خدا و با عزت آنها را بپوشان .

(يا كميل لباس ان تعلم اخاك سرك . و من اخوك ؟ اخوك ، الذى لا يخذلك عند الشديدة ولا يقعد عنك عند الجريءة ولا يدعك حتى تساله ولا يذرك و امرك حتى تعلمه ، فان كان مميلا فاصلحة ).

ای کمیل باکی نیست که برادرت را از سر خود آگاه سازی ، اما کدام برادر ؟ که هنگام سختی تراپست نگرداند و هنگام جریر ، (زیانهای مالی ) پشتیبان تو باشد و عقب نشینی نکند و اگر چیزی از او بپرسی بر تو خیانت نکند و تو را تنها نگذارد تا بداند که تو گرفتاری نداری و اگر گرفتاری داشته باشی آن را اصلاح کند.

(يا كميل المؤ من مرأء المؤ من ، لانه يتامله فيسد فاقته و يجعل حاليه ).

ای کمیل ! مؤ من آئينه مؤ من است یعنی عیب های او را به او می گوید و تفقد حال او می کند و در فقر بیماری او را یاری می کند.

(يا كميل المؤمنون اخوه و لاشى ء آثر عند كل اخ من أخيه  
اي كميل مؤمنين با يكديگر برادرند و هيچ چيز نزد برادر اولى و بهتر از  
برادر نیست .

(يا كميل ان كم تحب اخاك فلست اخاه ، ان المؤمن من قال بقولنا،  
فمن تخلف عنه قصر عنا و من قصر عنا لم بلحق بنا و من لم يكن معنا ففي  
الدرك الاسفل من النار).

اي كميل ! اگر برادرت را دوست نداري برادرش نیستي مؤمن کسی  
است که پيو ما ائمه معصومین باشد و گفتار ما را بگويد پس کسی که از  
گفتار ما تخلف کند از ما بريده و کسی که از ما جدا شود به ما ملحق  
نمی گردد و با ما نمی باشد پس (در آن صورت ) در درك اسفل از آتش  
است .

(يا كميل كل مصدور ينفتح فمن نفتح اليك منا بامر امرك بسترده فاباك  
ان تبديه وليس لك من ابدائه توبه و اذا كم يكن توبه فالمسير الى لحظة  
( ).

اي كميل ! هر افسرده دلي که دل اندوه بار دارد اظهار درد دل می  
کند، پس کسی که اظهار درد دل با تو نمود آن را مستور کن مبادا آن  
را برای غير اظهار و افشا کنی ، زیرا افشاء آن توبه ندارد و گناهی که  
توبه نداشته باشد عاقبت آن آتش دوزخ است .

(يا كميل اذاعه سر آل محمد (صلوات الله عليهم ) لا يقبل منها ولا يحتمل  
احد عليها و ما قالوه فلا تعلم الا مومنا موفقا).

ای کمیل فاش کردن سر آل محمد (صلی الله علیه و آله) قابل جبران و گدشت نیست و از کسی تحمل نمی شود و سر آل محمد (صلی الله علیه و آله) را جز به مومن موفق و با هوش نگوئید.

(یا کمیل قل عند کل شدہ : (لا حول ولا قوہ الا بالله ) تکفها و قل عند کل نہمہ : (الحمد لله ) تزدد منها. و اذا ابطات الا رزاق عليك فاستغفر لله يوسع عليك فيها).

ای کمیل در هنگام هر شدت و سختی بگو (لا حoul ولا قوہ لا بالله ) که خدا تعالیٰ بوسیله آن ترا نجات می دهد. و نزد نعمت بگو (الحمد لله ) که خداوند آن را فزونی می بخشد. پس هنگامی که رزق تو دیرتر رسید استغفار کن خداوند در کار تو گشايش می دهد.

(یا کمیل انه مستقر و مستودع فاحذر ان تكون من المستودع عین و انما يستحق ان يكون مستقرا اذا لزمه اجاده الواضحة التي لا تخربك الى عوج ولا تزيلك عن منهج ).

ای کمیل ! ایمان بر دو قسم است : مستقر و مستودع ، (یعنی ایمان ثابت و ایمان عاریتی ) پرهیز از ایمان عاریتی ، و اگر می خواهی حتماً مستحق آن باشی که ایمان مستقر داشته باشی ، هنگامی به آن موفق می شوی که ملازم راه و روش باشی که ترا به راه انحرافی نکشند و از راه دست بر نگرداند:

(یا کمیل لا رخصة في فرض ولا شدة في نافلة) ای کمیل ! برای کسی اجازه نیست واجبی را ترک کند و در انجام مستحبات به زحمت و

مشقت بیفتند (یعنی در صورت مشقت داشتن نوافل ، ترک آن جایز است ).

(یا کمیل انج بولایتنا من ان یشر کک الشیطان فی مالک و ولدک ) ای کمیل به وسیله ولایت و دوستی خود را نجات ده که شیطان در مال و اولاد تو شرکت نکند.

(یا کمیل ان ذنوبک اکثر من حسناتک و غفلتک اکثر من ذکرک و نعم الله علیک اکثر من عملک )

ای کمیل ! به تحقیق که گناهان تو بیشتر از کارهای نیک تو است و غفلت تو از یاد خدا بیشتر از ذکر و یاد خداست و نعمتهای خدا بیش از عمل و کارهای تو است .

(یا کمیل انک لا تخلو من نعم الله عندک و عافیته ایاک ، فلا تخل من تحمیده و تمجیده و تسبیحه و تقدیسه (و شکره) و ذکره علی کل حال ).

ای کمیل بیرون از نعمتهای خدا نیستی ، در حالی که عافیت را به تو عنایت کرده (یعنی سرآمد تمام نعمتها عافیت است ) بنابراین هیچگاه از حمد و تمجید و تسبیح و تقدیس و شکر گزاری و یاد او فارغ مباش (یعنی سلامت ، بدان واجد همه نعمتهای خدا هستی بنابراین ، غفلت از سپاسگزاری او مکن و در همه حال به یاد او باش .

(یا کمیل لا تكونن من الدين قال الله (نسوالله نسيهم انفسهم ) و نسبهم الى الفسق فهم فاسقون ).

ای کمیل ! سعی کن از آنهائی نباشی که خدای تعالی درباره آنها فرموده : (آنها خدا را فراموش کردند، پس خدا خودشان را از یاد خودشان برد) و نسبت فسق به آنها داد پس آنها فاسقند.

(یا کمیل لیس الشان ان تصلی و تصوم و تتصدق ، الشان ان تكون الصلاة بقلب نقی و عمل عندالله مرضی و خشوع سوی و انظر فيما تصلی و علی ما تصلی ان لم یکن من وجہه وحله فلاقبول ).

ای کمیل ! کار (شاءعن ) آن نیست که نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه دهی ؛ بلکه کار آنست که نماز تو با قلب پاکیزه و کار خدا پسند و خشنوع کامل باشد و بین در چه لباسی و بر چه زمین و فرشی نماز می گزاری ؟ اگر از راه مشروع و حلال نیست نماز تو قبول نخواهد شد.

(یا کمیل اللسان ینزح من القلب و القلب يقوم بالغذاء فانظر فيما قلبک و جسمک فان لم یکن ذلک حلالا لم یقبل الله تسپیحک ولا شکرک ).

ای کمیل ! زبان آنچه می گیرد و می گوید، از دل است و دل انسان قوامش به غذا است .

بین دل خود را به چه وسیله تغذیه می کنی ؟ اگر از راه حلال نیست ، خدای تعالی تسپیح و ذکر ترا نمی پذیرد.

(یا کمیل افهم و اعلم انا لانر خص فی ترك اداء الامانة لاحد من الخلق ، فمن روی عنی فی ذلک رخصة فقد ابطل و اثیم و جزاوه النار بما كذب ، اقسم لسمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله ) يقول لی قبل وفاته بساعة مرارا ثلاثا: يا ابا الحسن اعد (اء) الامانة الى البر و الفاجر فيما جل و قل حتى الخيط و المخيط .

ای کمیل بفهم و بدان ما کسی را از مردم در ترک امانتها رخصت نمی دهیم ، پس کسی که از من نقل کند چنین رخصتی را بتحقیق بیهوده و گناه است و پاداش او آتش است به واسطه دروغی که گفته . سو گند یاد می کنم هر آینه شنیدم از پیغمبر اکرم ، یک ساعت قبل از وفاتش که سه مرتبه فرمود: یا اباالحسن ! (کینه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است ) امانت را به صاحبش رد کن ، خواه نیکوکار باشد یا بدکار، خواه امانت کوچک باشد یا بزرگ ولو یک رشته نخ باشد.

یا کمیل لاغز والا مع امام عادل ولا نفل الا من امام فاضل ای کمیل ! جنگ و جهادی نیست مگر با امام عادل (یعنی با اذن و اجازه او) و استحبابی در نماز جماعت نیست مگر با امامی که دارای فضیلت است (یعنی امام جماعت حتما باید یک مزیت به ماءموم داشته باشد).

یا کمیل لولم يظهر نبی و كان في الارض مومن تقى لكان في دعائه الى الله مخطئا او مصيبة، بل و الله مخطئا حتى ينصبه الله لذلك و يوهله له .

ای کمیل ! اگر پیامبری روی زمین ظاهر نمی شد و در روی زمین یک مؤمن پرهیز کار می بود، هر آینه در دعای خود به سوی خدا یا خطاکار بود و یا به هدف رسیدن و مصیب بود. (بعد فرمود) بلی قسم به خدا خطاکار بود تا اینکه خدای تعالی برای شما یک پیامبر می فرستاد و به مقام پیامبری او را منصوب می کرد و اهلیت و شایستگی او را گواهی می نمود.

یا کمیل الدين الله فلا يقبل الله من احد القيام به الا رسول اونبیا او وصیا.

ای کمیل ! دین ، دین خداست . و خداوند قیام بر دین را از هیچ کس نمی پذیرد مگر از رسول یا نبی یا وصی باشد.

یا کمیل هی نبوه و رساله و امامه و لیس بعد ذلک الاموالین متبوعین او عامهین مبتدعین ، انما يتقبل الله من المتقين .

ای کمیل ! (رهبری جامعه مسلمین به واسطه ) نبوت و رسالت و امامت است و غیر از اینها، یا ولایت از طرف امام دارند یا متحیر و بدعتگزار. بدرستی که خداوند کارهای نیک را از پرهیز کاران می پذیرد.

یا کمیل ان الله کریم حلیم عظیم رحیم دلنا علی اخلاقه و امر نابالا خذبها و حمل الناس علیها، فقد ادیناها غیر متخلفین و ارسلناها غیر منافقین و صدقناها غیر مکذبین و قبلناها غیر مرتاپین .

ای کمیل ! خدای تعالی کریم و حلیم و عظیم و رحیم است خداوند دلالت کرده ما را به اخلاق و صفات خویش . امر کرده ما را که اخلاق او را در خود پیاده کنیم و مردم را نیز وادرار به آن اخلاق نمائیم . پس به تحقیق ما، این وظیفه را ادا نمودیم و بدون تخلف و دو روئی ، آن را به مردم رسانیدیم و بدون تکذیب احکام و دستورات الهی را تصدیق نمودیم و بدون شک و بدون تردید آن را قبول کردیم .

(یا کمیل لست و الله متملقا حتی اطاع ولا ممنیا حتی لا اعصی ولا مألا اطعام الاعراب حتی انحل امره المؤمنین وادعی بها).

ای کمیل ! به خدا قسم ، من آن نیستم که چاپلوسی کنم تا مرا اطاعت کنند. و این تمبا را ندارم که با من مخالفت نکنند و رشوه به اعراب نمی دهم که مرا امیر المؤمنین بگویند.

توضیح آنکه این اوصافی را امیرالمؤمنین می شمارد، اوصافی است که در معاویه و معاویه صفتان وجود دارد چون معاویه گاهی نهایت چاپلوسی را می کرد برای اغفال مردم و آرزوی او این بود که مردم با آرمانهای سیاسی او مخالفت نکنند.

(یا کمیل انما حظی من بدنیا زائله مدبره و نحظی باخره باقیه ثابتة).  
ای کمیل ! کسانی که از دنیا بهره و رشدند، بهره دنیا زوال پذیر و گول زننده است و بهره ما از آخرت ، باقی و ثابت است .

(یا کمیل ان کلا يصير الى الآخرة والدى نرغب فيه منها رضى الله والدرجات العلى من الجنة التى يورتها من كان تقىا).

ای کمیل ! تمام مردم به سوی آخرت می روند، ولی چیزی که ما از آخرت می خواهیم رضای خدا و درجات عالیه بهشت است که از خدای تعالی آن را به پرهیز کاران ارث می دهد.

(یا کمیل من لا يسكن الجنة فبشره بعذاب اليم و خزى مقیم :  
ای کمیل ! کسی که ساکن بهشت نشد پس مژده او را به عذاب دردناک و پستی دائمی ).

(یا کمیل اذا احمد الله على توفيقه و على كل حال اذا شئت فقم  
ای کمیل ! من خدای را در هر حال سپاس می گذارم بر توفیقی که به من عنایت فرموده (سپس فرمود) اگر خواستی بروی برخیز یعنی وقت تمام شده که این خود دستوری است درباره نظم در وقت و کارها).

فضیلت و اهمیت دعا و آداب آن

برای تکمیل این بحث دو موضوع مورد بررسی قرار می گیرد:

## ۱ - فضیلت و اهمیت دعا

روايات و آيات در فضیلت و اهمیت دعا بسیار است از آن جمله در سوره بقره آیه ۱۸۲ می فرماید: (و اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوه الداع اذا دعان فلیستجیبوالی ولیومنوا بی لعکم یرشدون

ای پیغمبر! هرگاه بندگان من از من سؤال کنند پس به تحقیق که من نزدیکم احابت می کنم دعای دعا کننده را هنگامی که مرا می خواند پس باید احابت کنند از من و ایمان یاورند به من شاید ارشاد شوند).

و اما روايات :

۱ - پیغمبر اکرم می فرماید (الدعا مخ العبادة (۹)

دعا مغز عبادت است ).

۲ - و نیز می فرماید: (ان لا يخطئه من الدعا احدى ثلاثة اما ذئب يغفر له و اما خير يعجل له و اما خير يدخل له (۱۰)

بنده مومن از دعا بی بهره نمی ماند بلکه یکی از سه چیز عاید او می شود؛ یا گناهی از او آمرزیده می شود و یا خیر دنیا و یا ذخیره و خیر آخرت به او می رسد).

۳ - و نیز می فرماید: (سلوالله من فضلہ فانه یحب ان یسال و افضل العبادة انتظار الفرج (۱۱) از فضل خدای تعالی در خواست کنید زیرا خدا دوست دارد که از او بخواهند، و بهترین عبادت انتظار فرج است ).

۴ - از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردند (ای العباده افضل؟ فقال : ما من شيء أفضَلَ عندَ اللهِ مِنْ إِيمَانِهِ وَ يُطْلَبُ مِمَّا عِنْدَهُ وَ مَا أَحَدٌ أَبغضَ إِلَيَّ اللهُ مِمَّنْ يُسْتَكِبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يُسْأَلُ مَا عِنْدَهُ (۱۲))

چه عبادتی بهتر است ، حضرت فرمود هیچ چیز بهتر نزد خدای تعالی نیست از کسیکه از عبادت خداوند تکبر می ورزد و از آنچه نزد او است سؤال نمی کند).

۵ - باز از حضرت باقر نقل نموده اند که فرمود: (عليكم بالدعا فانکم لا تقربون بمثله ولا تترکوا صغیره لصغرها اعن تدعوا بها ان صاحب الصغار هو صاحب الكبار

بر شما باد به دعا کردن ، زیرا شما به هیچ عبادتی مانند دعا به خدا نزدیک نمی شوید. و دعای کوچک را ترک نکنید به واسطه کوچکی آن و آن را بخوان به تحقیق که صاحب دعای کوچک همان صاحب دعای بزرگ است .

۶ - حضرت صادق به میسر که یکی از یارانش بود فرمود: (يا میسر، ادع ولا تقل اعن الامر قد فرغ منه ان عند الله منزله لا تنازل الا بمسلة ولو ان عبدالسدفاه ولم یسل لم یعط شيئا فسل تعط يا میسر انه ليس من باب یقرع الا یوشک ان یفتح لصاحبہ (۱۳))

ای میسر! دعا کن مگو که کار گذشته است ، به تحقیق نزد خدای تعالی منزلت و مقامی است که به آن نمی رسی مگر به وسیله سؤال و دعا کردن و اگر چنانچه بنده ای دهانش از دعا بسته شود و دعا نکند چیزی

به او داده نخواهد شد، پس از خدا بخواهید به شما عطا می کند. ای میسر هر دری کوییده شده امید است که به روی صاحبش باز شود).

۷ - (قال امیرالمؤمنین ان احب الاعمال الى الله تعالى في الارض الدعاء و افضل العبادة العفاب وقال : و كان امیرالمؤمنین عليه السلام وجلا دعاء (۱۴)

محبوب ترین اعمال نزد خدا در زمین دعا است و بهترین عبادت عفت است . بعد حضرت صادق فرمود امیرالمؤمنین عليه السلام مردی بود بسیار دعا کننده ).

۸ - و نیز از حضرت صادق نقل شده است که فرمود: (من لم يسل الله من فضله افتقر (۱۵)

کسی که از فضل خداوندی سوال نکند نیازمند می شود).

۹ - (قال رسول الله (صلى الله عليه و آله ): (الدعاء سلاح المؤمن و عمود الدين و نورا السموات و الارض (۱۶)

دعا اسلحه مومن عمود دین و نور آسمانها و زمین است ).

۱۰ - (قال امیرالمؤمنین عليه السلام : الدعاء مفاتيح النجاح و مقايد الفلاح و خير الدعا ما صدر عن صدر نقى و قلب و في المناجاه و سبب النجاهه و بالا خلاص يكون الخلاص فإذا اشتد الفرع فالى الله المفزع (۱۷) دعا کلید موفقیت و راه گشا به سوی رستگاری است ، و بهترین دعا آن دعائی است که از سینه پاک و دل با تقوی بیرون می آید، و در مناجات است که دعا وسیله رستگاری است و به سبب اخلاص انسان از بلاهای دنیا

و عذاب آخرت خلاصی می یابد، پس در هنگام ناراحتی و فرغ شدید به خدا پناه ببرید).

۱۱ - (قال امیر المؤمنین الدعاء ترس المومن و متى تکثر قرع الباب يفتح لک (۱۸)

دعا سپر مومن است از بلا و هر گاه کوبیدن دری زیاد شد در به روی تو باز می شود).

۱۲ - (الدعاء انفذ من السنان الحديـد  
دعا از نیزه آهنین کار گرتر است).

۱۳ - عمر بن یزید گوید از حضرت موسی بن جعفر شنیدم که فرمود: (ان الدعا یردمادر و مالم یقدر قلت ماقد قدر قد عرفته فمالم یقدر قال حتی لا یکون (۱۹)

دعا رد می کند بلائی را که مقدر شده و بلائی را که مقدر نشده . راوی عرض می کند بلائی که مقدر شده معلوم است و اما بلائی که مقدر نشده چیست ؟ حضرت فرمود چیزی که مقدر نشده آن بلائی است که باید مقدر بشود و دعا سبب می شود که مقدر نشود).

۱۴ - حضرت صادق به یکی از یاران خود فرمود: (عليک بالدعا. فان فيه شفاء من كل داء (۲۰)

بر تو باد به دعا زیرا شفای هر دردی است ).

۲ - آداب دعا

فیض کاشانی - بر اساس روایات - ۵۵ چیز را از آداب دعا ذکر نموده است :

- ۱ - مترصد بودن اوقات شریفه ؛ از روزها مانند روز عرفه که روز نهم ذیحجه است . و از ماه ها ماه رمضان و از ایام هفته روز جمعه و از اوقات هنگام سحر یعنی آخر شب نزدیک به صبح که در فضیلت تمام این اوقات روایت شده است و در این موقع دعا به اجابت می رسد.
- ۲ - غنیمت شمردن حالات شریفه ، مانند حالی که دوصف کفر و اسلام روبرو می شوند و آن حالت انقطاع است و دعا در آن حال به اجابت می رسد. روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: (اطلبوا الدعا فی اربع ساعات عند هبوب الرياح و زوال الافیاء و نزول المطر و اول قطرة من دم القتيل المؤمن فان ابواب السماء تفتح عند هذه الاشياء (((۲۱))

در چهار ساعت (وقت) دعا کنید و و خواسته های خود را از خد بخواهید: هنگام وزش بادها و هنگام زوال ظهر و هنگام نزول باران و هنگامی که اول قطره خون شهید در راه خدا به زمین ریخته می شود که در این اوقات درهای آسمان گشوده می شود).

و همچنین هنگام اقامه نماز و بین اذان و اقامه و در حال روزه که در تمام این حالات دعا مستجاب است .

- ۳ - روبه قبله دعا کند و دستهای خود را طوری بلند که زیر بغل او ظاهر گردد، سلمان نقل می کند که پیغمبر اکرم فرمود: (ان ربکم حی کریم یستحی من عبده اذا رفع يديه اليه ام يرد هما صfra (۲۲)

پروردگار شما زنده و حیات بخش و بزرگوار است ، از بندۀ خود حیاء می کند که دست او به طرفش بلند شود و او را دست خالی برگرداند).

۴ - (خفض الصوت) یعنی در هنگام دعا کردن نه آواز خود را خیلی بلند و نه خیلی آهسته بلکه حال متوسط داشته باشد. در روایت دارد هنگامی که پیغمبر اکرم به مدینه مهاجرت کرد وقتی نزدیک مدینه رسیدند مردم صدای خود را به تکبیر بلند کردند، حضرت فرمود: (يا ايها الناس ان الذى تدعون ليس باصم ولا غائب ان الذى تدعون بينكم و بين اعناق ركابكم) (۲۳)

آن خدایی را که شما می خوانید نه کر است و نه غائب و به تحقیق آن کس را که شما می خوانید همیشه با شما است و از رگ کردن به شما نزدیکتر است).

۵ - در دعا خود را به زحمت قافیه سنجی مقید نکند؛ زیرا حال دعا کننده حال تضرع است و تضرع با تکلف سازگار نیست چنانچه خدای تعالی می فرماید: (ادعوا ربکم تضرعا و خفیه انه لا يحب المعتدين) (۲۴) خدا را با تضرع و پنهانی بخوانید که خدا متجاوزین را دوست ندارد). تجاوز در دعا را امیرالمؤمنین بیان فرموده است که : ای دعا کننده چیزی که نشدنی و چیزی که مشروع نیست از خدا تقاضا مکن).

غزالی می گوید مقصود از آیه این است که دعا کننده از دعاهای ماءثور تجاوز نکند، یعنی دعاهایی که از پیغمبر و ائمه معصومین رسیده از آنها تجاوز نکند.

۶- تضرع وزاری کردن در دعا، چنانکه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: (اذا احب الله تعالى عبدا ابتلاه حتى يسمع تضرعه (۲۵) وقتی خدای تعالی بنده ای را دوست بدارد او را مبتلا می کند تا تضرع وزاری او را بشنود).

و در فقره دعا است که : (ولا ينجيني منك الالتضرع اليك (۲۶) رهایی نمی دهد مرا از بلاها مگر تضرع وزاری به سوی ذات مقدس تو).

۷- یقین داشته باشد که دعای او اجابت می شود چنان که پیغمبر اکرم فرمود: ادعوا اللہ تعالی و انتیم مومنون بالا جابة و اعلموا ان اللہ سبحانة لا يستجيب دعاء من قلب غافل (۲۷) خدا را بخوانید در حالی که یقین داشته باشید که خدا شما را اجابت می کند و بدانید که خدای تعالی اجابت نمی کند دعا را از دل انسان غافل ).

در حدیث دیگر از امیر المؤمنین نقل شده که (اذا دعوت الله فاقبل بقلبك وظن ام حاجتك بالباب (۲۸)

هنگام دعا با حضور قلب دعا کن و اطمینان داشته باش که حاجت تو بر در خانه است ).

۸- الحاج و اصرار در دعا کردن و دعا را سه مرتبه تکرار کردن . ابن مسعود نقل می کند که پیغمبر اکرم وقتی دعا می کرد سه مرتبه آن را تکرار می کرد. از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: (و الله لا يلح عبد مومن على الله في حاجته الا قضاها له (۲۹) قسم به خدا که بنده مومن اصرار نمی کند در دعا مگر آنکه خدای تعالی حاجت او را بر آورده می کند).

۹ - دعا را با ذکر خدا شروع کند، که از حضرت صادق نقل شده که به  
حارث بن مغیره فرمود:

(ایاکم اذا اراد ان يسال احدکم ربھ شيئا من حواچن الدنیا حتی ییدا  
بالثناء علی الله عزوجل و المدحه له و الصلاة علی النبی (صلی الله علیه و  
آلہ ) ثم یسل الله حاجته (۳۰)

بر شما باد که هر گاه خواستید چیزی از امور دنیا بخواهید اول به حمد  
و ثنای خدای تعالی و درود و صلوات بر پیغمبر ابتدا کنید سپس حاجت  
خود را از خدا بخواهید).

یعنی از شرائط دعا است که اول به حمد ثنای الهی شروع کند و بعد  
مشغول دعا شود به خصوص صلوات بر محمد و آل او؛ زیرا معصوم می  
فرماید: قبل از دعا صلوات بفرستید و بعد از دعا نیز صلوات بفرستید دعای  
شما مستجاب می شود به واسطه آنکه صلوات دعایی است که اجابت می  
شود و ذات مقدس منزه است که دعای اول آخر را اجابت کند و دعای  
وسطی را رد کند.

هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: (لایزال  
الدعاء محبوبا حتى يصلی علی محمد و آل محمد (۳۱)

دعا به آسمان بالا نمی رود مگر هنگامی که دعا کننده بر محمد و آلس  
صلوات بفرستد).

۱۰ - آداب باطنی است که در اجابت دعا نقش مهم و موثری دارند مانند  
توبه ورد مظلالم و توجه به طرف خدای تعالی به تمام وجود، لذا در  
روایت وارد شده که پیغمبر اکرم فرمود: (من احباب انس است) (من احباب دعاء ه

فليط مطعمه و كسبه (٣٢) كسى كه دوست دارد دعای او مستجاب شود  
باید اجابت دعا را در خوراک و کاسبی خود جستجو کند).

و نيز پيغمبر اكرم فرمود: (ترك لقمه حرام احب الى الله من الفى ركعه  
تطوعاً ورد دانق حرام يعدل عند الله سبعين حجه مبروره (٣٣)

ترک يك لقمه حرام نزد خداوند متعال محبوب تر است از دو هزار  
ركعت نماز مستحبی ، و يك دانه حرام را رد کردن نزد خدای عالی  
برابر است با هفتاد حج پسندیده و مبرور).

و همچنین پيغمبر اكرم فرمود: (العباده مع اكل الحرام كالبناء على الرمل  
(٣٤)

عبادت با حرام خوردن مانند ساختمانی است که بر روی شن بنا شده  
باشد) و در بعضی از روایات دارد: مانند ساختمانی اسن بر روی آب بنا  
شده باشد. علامه فیض می فرماید: از این اخبار ده ادب دیگر استفاده می  
شود، بعد به این ترتیب آنها را می شمرد:

۱ - بیان حاجت و نام بردن آن در دعا، چنانچه امام صادق علیه السلام  
می فرماید: خدای تعالی اراده بنده را می داند ولی دوست دارد که  
حوائج نزد او ذکر شود.

۲ - تعمیم در دعا؛ یعنی دعای عمومی کردن .

۳ - پیغمبر اكرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: اگر یکی از شما دعا  
می کند باید عمومی دعا کند. مثلا برای همه از خدا طلب سلامت و  
سعادت و روزی بنماید.

۴ - اجتماع در دعا؛ یعنی دستجمعی دعا کردن ، چنانچه از امام سجاد روایت شده که : هیچ جمیعت چهل نفری خدا را نمی خوانند مگر آن که خدای تعالی ایشان را اجابت می کند.

و اگر چهل نفر نبودند چهار نفر ده مرتبه خدا را بخوانند و اگر چهار نفر نبودند یک نفر چهل مرتبه تکرار کند، خداوند عزیز جبار دعای ایشان را اجابت می کند.

۵ - گریه کردن در حال دعا. سید بن طاووس در کتاب (عدد الداعی) گوید این از بزرگترین آداب و نقطه اوج آداب در دعا کردن است لذا حضرت صادق علیه السلام می فرماید:

(اذا اقشعر جلدك و دمعت عيناك و وجل قلبك فدونك فقد قصد ولان  
جمود العين من قساوه القلب على ما ورد به الخبر وهو يوذن بالسع德 من  
الله سبحانه و فيما اوحى الله تعالى الى موسى يا موسى لاتطول في الدنيا  
املك فيقوسو قلبك وفاسى القلب مني بعيد (۳۵)

هر گاه پوست بدن تو لرزید و اشک چشمت جاری شد و دل تو لرزید در آن هنگام از آن حال استفاده کن و بدان به مقصود خود نائل شده ای زیرا خشکی چشم از قساوت قلب است چنان که در روایت وارد شده و همان حال اعلام می کند که بنده از خدا دور است و از چیزهایی که به موسی وحی شده که ای موسی آرزوی خود را در دنیا دراز مکن تا گرفتار سنگ دلی شوی چون کسی که سنگ دل شود از من دور است).

۶ - اعتراف به گناه که منشاء دو چیز است :

اء - انقطاع الی الله؛ یعنی منقطع شدن از مردم و توجه کامل به خداوند متعال.

ب - شکسته نفسی و تواضع در مقابل عظمت حق تعالی چنان که معصوم می فرماید (من تواضع الله رفعه الله) (۳۶)

کسی که برای خدای تعالی تواضع کند خدا او را بلند می گردداند) و خدای تعالی نزد دلهای شکسته است).

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: (اذارق احدكم فليدع فان القلب لا يرق الا حين يخلص) (۳۷)

هر زمانی که حالت رقت بر شما دست داد دعا کنید زیرا قلب رقت پیدا نمی کند مگر هنگامی که خالص شود).

وشکس نیست که گناه مانع استجابت دعا است. و در روایت از حضرت صادق نقل شده که درباره دعا می فرماید: (انما هي المدحه ثم الثناء ثم الاقرار بالذنب ثم المسئلة انه والله ما خرج عبد من ذنب الا بالاقرار) (۳۸) که در این حدیث دعا را به مراتبی تقسیم می کند:

اء - مدح و ثنای خدای تعالی

ب - اقرار به گناهان

ج - حاجت خواستن

سپس معصوم می فرماید: قسم به خدا به کسی از گناهان بیرون نمی رود مگر به وسیله اقرار به گناهان.

۶ - توجه قلبی : یعنی در حال دعا تمام اقبال و توجهش به طرف ذات مقدس باشد، زیرا کسی که توجه به او نکند شایسته آن نیست که به او توجه نمائی همان طور که اگر کسی با تو سخن بگوید در حالی که می دانی توجهش به طرف تو نیست او مستحق است که تو نیز به او توجه نداشته باشی ، لذا امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: (لا یقبل الله دعاء قلب لاه ) (۳۹)

خدا قبول نمی کند دعا را از دلی که به غیر او مشغول است و نیز حضرت صادق علیه السلام می فرماید: (اذا دعوت الله فاقبل بقلبك ) (۴۰) هر گاه دعا می کنی با دل خود توجه به خدای تعالی کن .

۷ - اول دعا بعد حاجت خواستن . پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله ) به ابوذر فرمود: (الا اعلمك کلمات ینفعك الله عزوجل بھن قال بلی رسول الله ، قال : احفظ الله تجده امامک تعرف الی الله فی الرخاء یعرفک فی الشدة ) (۴۱)

ای ابوذر تعلیم ندهم به تو کلماتی که به وسیله آنها خداوند بتو سود می رساند؟ عرض کرد بلی یا رسول الله . حضرت فرمود خدا را فراموش نکن همیشه او را جلو خود می بینی (یعنی ترا از بلاها حفظ می کند) در هنگام آسایش خدا را بشناس در شدت به داد تو می رسد).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که از بلا و مصیبتی می ترسد و قبل از نزول مصیبت دعا کند آن مصیبت بر او وارد نمی شود.

۸ - دعا برای برادران و در خواست دعا از ایشان ، لذا از حضرت صادق عليه السلام نقل شده که فرمود: (من قدم اربعین من المؤمنین ثم دعا استجیب له) (۴۲)

کسی که اول برای چهل نفر از مومین دعا کند بعد برای خودش دعا کند خدا دعای او را اجابت می نماید). پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ دعائی سریعتر از دعای مومنی که برای برادر غائبش می کند به اجابت نمی رسد.

و نیز حضرت صادق عليه السلام فرمود: (دعاء الرجل لأخيه بظهر الغيب يدر الرزق و يدفع المكروه) (۴۳)

دعای شخصی پشت سر برادرش سبب زیادتی رزق و دفع شدت و مکروه می شود).

۹ - در حوائج خود بر غیر از خدا تکیه نکند، چنان که خدای تعالی می فرماید: (و من يتوكل على الله فهو حسبه) (۴۴)

کسی که بر خدا تکیه کند خدا امر او را کفایت می کند.

و نیز حفض بن غیاث از امام صادق عليه السلام نقل می کند که فرمود: (اذا اراد احدكم ان لا يسل ربه شيئا الا اعطاه فليياس من الناس كلهم ولا يكون له رجاء الا [من] عند الله فاذا علم الله ذلك من قلبه لم يسله شيئا الا اعطاه) (۴۵)

هر گاه می خواهید یکی از شما هر چه از خدا بخواهد خدا به او عطا فرماید باید از تمام مردم ماءیوس شود و امیدی جز به خدا نداشته باشد

وقتی که این حالت را خدای تعالی در باطن او یافت هر چه از او بخواهد به او عنایت می کند).

۱۰ - از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: در دعا رعایت ادب کن و ببین چه کسی را می خوانی و چگونه می خوانی و برای چه می خوانی و عظمت و کبریائی او را در نظر بگیر که بر سر و باطن تو آگاه است و آنچه از حق باطل در دل تو هست آنها را می داند، و ضمنا هلاک و نجات خود را بشناس تا گاهی به عوض این که دعا برای نجات خود کنی دعا برای هلاک خود ننمایی ، و بدان اگر چنانچه خدا ما را امر به دعا نمی کرد ولی خالصانه او را می خواندیم ما را اجابت می نمود پس به طریق اولی ما را اجابت می کند در صورتی که ما را امر کرد ۵ به دعا نمودن . از پیغمبر اکرم (صلی اللہ علیہ وآلہ وسالہ) سوال کردند که (اسم اعظم ) کدام است فرمود: (کل اسم من اسماء اللہ اعظم و فرغ قلبک عن کل من سواه و ادعه بای اسم شئت (۴۶)

هر اسمی از اسماء خدای تعالی اسم اعظم است ، دل خود را از غیر خدا خالی کن و به هر اسمی می خواهی او را بخوان ترا اجابت می کند.